خبر

نقوی‌حسینی در تشریح جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس:

تأکید وزارت اطلاعات بر جاسوس‌نبودن دختر آیت‌الله آملی لاریجانی

● **ایسنا:** کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس روز گذشته میزبان وزیر اطلاعات برای پاسخ به سؤالات برخی از نمایندگان بود که نقوی‌حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی، در توضیح این جلسه، گفت: «در این جلسه امیرآبادی، نماینده قم، سؤالی از وزیر اطلاعات درباره انگیزه جابر انصاری و همکاران او در اهدای واحدهای مسکونی به قضات پرسید، آن هم در شرایطی که تأیید نشده جابر انصاری مسئولیتی در وزارت راه و شهرسازی دارد یا خیر».

به گفته نقوی، وزیر اطلاعات در پاسخ گفت که زمان تأیید صلاحیت ایشان قبل از این ماجراها بوده، در آن زمان هم با عنایت به ملاحظاتی مشکلی نداشت.

او گفت که با توجه به اینکه این سؤال باید از وزیر راه‌وشهرسازی پرسید می‌شد، امیرآبادی از پاسخ‌های وزیر قانع شد. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی با اشاره به سؤال صادقی، نماینده تهران، از وزیر اطلاعات گفت: «این سؤال درباره ضابطه تهیه و تدوین و انتشار بولتن‌های خبری محرمانه بود که انتشار این اخبار در فضای مجازی مشکلات زیادی را ایجاد کرده است. در پاسخ وزیر اطلاعات اشاره کرد که انتشار بولتن‌ها با کنترل و دقت این وزارتخانه صورت می‌گیرد ولی مسئولیت حفظ و نگهداری آن با همان دستگاهی است که مطابق طبقه‌بندی‌های انجام‌شده باید آن را حفظ کند». نقوی‌حسینی افزود: «وزیر اطلاعات همچنین گفت که درباره دختر خانم آیت‌الله آملی‌لاریجانی هم بررسی کارشناسی کردیم و دیدیم همه ادعاها دروغ و کذب محض بوده، نسبت جاسوسی به او اساسا دروغ و کذب محض است. فردی که این مطالب را اشاعه کرده بود نیز اعتراف کرده اقداماتش کذب بوده و واقعیت نداشته است. این پاسخ وزیر، نماینده تهران را قانع کرد». او گفت: «سؤال دیگر را مجددا آقای صادقی به نمایندگی از جمعی از نمایندگان تهران مطرح کرد که در توضیح آن گفت که با توجه به شکایت فرزند داریوش فروهر مبنی بر به‌قتل‌رسیدن پدرش، نتایج این پرونده چه شد، علت توقیف پاسپورت او در فرودگاه و بازجویی از او مبنی بر اینکه حق شهروندی ندارد، چه بوده است، آیا اساسا این موارد صحت دارد، چه اقداماتی صورت گرفته، علت شکایت او از وزارت اطلاعات و محکومیت وی چه بوده است».

به گفته نقوی‌حسینی، خلاصه سؤال این بود که چرا به‌جای شکایت از عاملان قتل فروهر و پیگیری و مجازات آنان با طرف مقابل برخورد می‌شود. آقای روحانی که شعار حقوق شهروندی می‌دهند و شما که وزیر این دولت هستید باید با همان ادبیات گذشته برخوردهای لازم را داشته باشید. او افزود: «در پاسخ به این سؤال وزیر اطلاعات گفت که اجازه برگزاری مراسم هر سال برای فروهر داده می‌شود و هیچ‌کس متعرض به آنان نشده است اما دیگران که به مراسم آنها می‌آیند سوءاستفاده می‌کنند پس طبیعی است که اقدام می‌شود. وزارت اطلاعات در مقام شاکی نیست، ما اطلاعات را در اختیار دستگاه‌ها می‌گذاریم، ممکن است دستگاه قضائی بر اساس این اطلاعات اقدامات قضائی کند، این مورد هم که دستگاه قضائی اقدام کرده براساس همین اطلاعات بوده و اهانت به مقدسات برای قوه‌قضائیه مسجل شده است».

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی، گفت: «طبق توضیحات وزیر اطلاعات، این وزارتخانه با آنهایی که در مورد پاسپورت فروهر برخورد کرده بودند، برخورد کرده است. در هر جایی که با فردی برخلاف ضوابط برخورد شود وزارت اطلاعات ورود و برخورد می‌کند. در نهایت آقای صادقی از این پاسخ‌های وزیر نیز قانع شد».

نقوی‌حسینی سؤال بعدی را مربوط به احمد سالک، نماینده اصفهان، به نمایندگی از تعدادی از نماینده‌های مجلس عنوان و اظهار کرد: «این سؤال درباره چگونگی ورود و حضور دری‌اصفهانی در تیم مذاکره‌کننده برجام بود؛ اینکه چگونه علی‌رغم جاسوس‌بودن، او مورد تأیید قرار گرفته است؛ آن هم در شرایطی که با مستندات موجود به جرم جاسوسی محکوم شده است ولی وزیر از جاسوس‌نبودن او سخن می‌گوید. در پاسخ وزیر اطلاعات گفت که عدم‌حساسیت نسبت به کسانی که مظنونیت جاسوسی دارند، کاری خطرناک است اما حساسیت نسبت به کسانی که مظنونیت جاسوسی ندارند، خطرناک است».

او افزود: «وزیر به این موضوع اشاره کرد که دری‌اصفهانی برای وزارت اطلاعات ناشناخته نیست، اکنون هم می‌گوییم که او مرتکب جاسوسی نشده است اما تابعیت مضاعف و دوگانه دارد و ممکن است خلاف دیگری داشته باشد. درباره این سؤال نیز آقای سالک از پاسخ‌های وزیر قانع شد».

نقوی‌حسینی با اشاره به سؤال ابطحی، نماینده خمینی‌شهر، درباره علت اشراف‌نداشتن بر فعالیت‌های ان‌جی‌اوها، به‌ویژه محیط زیست که باعث ارسال اطلاعات گرانبها از وضعیت آب، خاک و معادن به سرورهای جاسوسی و استکباری شده است، گفت: «در پاسخ به این سؤال، وزیر اشاره کرد که کارهای خوبی در این زمینه انجام شده است. آقای ابطحی نیز گفت که چون بنای طرح این موضوع را در مجلس ندارد از پاسخ‌ها قانع شد».

politics@sharghdaily.ir

مراسم نمادین آتش‌زدن برجام در مشهد

شرق: «چون به برجام اهانت شد تصمیم گرفتیم که بگوییم ما هم آماده آتش‌زدن آن هستیم». این را خلیل موحد، دبیر کمیته مرکزی دیده‌بان استقلال، می‌گوید؛ همان تشکلی که دیروز اعلام کرد پدر شهید احمدی‌روشن را دعوت کرده و گفته بود می‌خواهد مراسم نمادین آتش‌زدن برجام را در مشهد برگزار کند، اما به‌جای برجام، پرچم آمریکا را آتش زدند. موحد می‌گوید: «جمعیتمان حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر است که در حسینیه قرآن و عترت گرد هم آمده‌ایم».

موحد در پاسخ به این سؤال که هنوز برجام ازسوی ترامپ رسما پاره یا کنار گذاشته نشده است که شما مراسم آتش‌زدن آن را برگزار کرده‌اید، می‌گوید: «وکیل ترامپ به‌صورت نمادین برجام را پاره کرده ما هم آماده‌باش هستیم؛ هرقدر آنها جلو آمدند، ما هم می‌آییم». او می‌گوید: «اگر ترامپ امشب (سه‌شنبه‌شب) آن را پاره کرد، ما هم صبح آن را آتش می‌زنیم اگر نکرد به همان چیزی که حضرت آقا فرمودند عمل می‌کنیم. ایشان گفتند اگر آمریکا به تعهد خود در برجام عمل نکند، ما هم عمل نمی‌کنیم. اجازه نمی‌دهیم که مذاکره دوباره انجام شود».

او در پاسخ به این سؤال که شما مگر مسئول سیاست خارجی کشور هستید که اجازه نمی‌دهید دوباره مذاکره انجام شود، می‌گوید: «ما توان مردمی داریم که صدای خود را به گوش مسئولان می‌رسانیم که بنای اجازه‌ندادن داریم».

دیده‌بان استقلال سال ۹۴ هم یک همایش با عنوان «اجازه نمی‌دهیم» برگزار کرده بود. موحد می‌گوید: «همان زمان که حضرت آقای گفتند اجازه نمی‌دهیم دانشمندان ما را بازجویی کنند ما هم تجمع برگزار کردیم».

تشکل دیده‌بان استقلال نتوانسته برای برگزاری مراسم دیروز در فضاز باز از فرمانداری مجوز بگیرد، اما می‌گوید که برای مراسم سال ۹۴ مجوز گرفته بودند. او در پاسخ به این سؤال که تجمعاتی ازاین‌دست در مشهد بیشتر برگزار می‌شود، می‌گوید: «مشهد جایی است که در کشور تأثیرگذارتر است».

دیده‌بان استقلال چیست؟ موحد می‌گوید: «ما یک مجموعه از ۵۰ تشکل مختلف در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، تبلیغاتی و فکری هستیم. مانند تشکل آرمان، فهم، مطالبه، فتیه و...» آنها از حامیان فکری سیاسی آیت‌الله علم‌الهدی و ابراهیم رئیسی و از مخالفان دولت هستند. نگاهی به رفتار سیاسی پیشین تشکل دیده‌بان استقلال و محتوای سایت‌های برخی از این تشکل‌های عضو آن هم مؤید همین است.

یکی از مطالب عجیبی که سایت «مطالبه» دوسال پیش کار کرده بود، متعلق به حیدر رحیم‌پورازغدی، پدر حسن رحیم‌پورازغدی، در نقد اشرافی‌گری است که تیر ۹۵ منتشر شده است.

در بخشی از این مطلب آمده است: «کجاست «شیخ خلخالی» این دوران که همین فردا در پیشخوان هر دادگستری، طناب داری برپا کند و یکایک دزدان را در انظار مردم به محاکمه کشیده و تبهکاران اقتصادی را قصاص کند تا انقلاب برای مردم و مردم برای انقلاب بمانند و دشمنان، دیگر ما و اسلاممان را به سخره نگیرند و امر رهبر بر زمین نماند».

ما، ترامپ و سناریوهای آینده

امیر ناظمی
عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

عکس: GettyImages

رابطه ایران و آمریکا و آینده آن، نه‌تنها موضوعی جذاب برای سناریونوشتن درباره آینده است؛ بلکه با سایر رویدادها و پدیده‌های منطقه نیز گره خورده است. در زمان روی‌کارآمدن ترامپ، کدگشایی از رفتارهای او به‌سادگی امکان‌پذیر نبود؛ اما امروز با کنارهم‌گذاشتن رویدادهای اخیر شاید بتوان به بازخوانی آن سناریوها اقدام کرد. ترامپ در ماه گذشته اقدام به حمله هوایی به سوریه کرده؛ از سوی دیگر شب گذشته موضع خود را درباره برجام اعلام کرد. رفت‌وآمدهای اروپایی‌ها مانند امانوئل مکرون و آنگلا مرکل به واشنگتن به‌این‌ترتیب ضرورت بازخوانی این سناریوها را برای ما ایرانیان دوچندان می‌کند. سناریونویسی یعنی آماده‌شدن برای آینده‌های مختلفی که نمی‌دانیم کدام‌یک اتفاق خواهد افتاد! و آماده‌شدن برای آنچه نمی‌توان پیش‌بینی‌اش کرد. در این یادداشت به صورت خلاصه چهار سناریوی مختلف از آینده رفتار ترامپ در قبال ایران و برجام مطرح شده است. این سناریوها بیش از آنکه درباره راهبردهای آینده ترامپ در قبال ایران باشد، درباره تفسیرها و احتمالاتی از راهبرد ناآگاهانه یا منتشرنشده ترامپ است. ترامپ برای ماه‌ها از اظهارنظر صریح درباره نحوه مقابله‌اش با ایران طفره رفت و اعلام آن را به آینده‌ای نامعلوم حواله کرد؛ اما کنش‌های متعدد او در قبال ایران و موضع‌گیری‌های او در مقابل ایران می‌تواند قطعاتی از یک پازل باشد؛ پازلی که ما نه‌تنها تصویر کاملی از آن نداریم؛ بلکه براساس این قطعات مجزا حتی نمی‌توانیم برآوردهایی دقیق از آن داشته باشیم. برآورد راهبرد ترامپ، میان بازیگران و تحلیلگران مورد اجماع نیست و می‌تواند به صورت‌های مختلفی تفسیر و پیش‌بینی شود. به‌این‌ترتیب رفتارهای آتی او و شواهدی که در آینده به دست می‌آید، برآورد را کامل‌تر کرده و احتمال تحقق یک سناریو افزایش یا کاهش می‌یابد.

ترامپ از نخستین روزهای استقرار در کاخ سفید دارای کنش‌های معنادار در قبال ایران بوده است. لغو روادید مربوط به شهروندان شش کشور عمدتا مسلمان که بیش از هر کشوری شهروندان ایران را تحت‌تاثیر قرار می‌داد، با سرعت در دستور کار ترامپ قرار گرفت. این نخستین شاهد از مجموعه شواهدی بود که در سال گذشته آغاز شد. تحریم سپاه پاسداران شاهد دیگری از این مجموعه بوده است. به‌این‌ترتیب همواره این پرسش می‌تواند در مقابل ما قرار گیرد که: «به غیر از فروش داخلی این رفتارها در داخل آمریکا، این نوع از سیاست اساسا چه معنایی دارد؟».

در این یادداشت خلاصه، ابتدا هریک از سناریوهای باورپذیری که می‌تواند رفتار ترامپ را تفسیرپذیر کند، معرفی می‌شوند. هریک از این سناریوها می‌تواند راهبرد ایالات متحده تصور شود و چون دقیقا نمی‌دانیم کدام سناریو بر واقعیت تفکر ترامپ صادق است؛ بنابراین هریک از سناریوها می‌توانند درست باشند. این سناریوها از دیدگاه آمریکاییان تنظیم شده است و به معنای پذیرش صحت آنها یا ارائه دیدگاه‌های متقابل ایران نیست.

سناریوی ۱- برگردیم به نقطه شروع مذاکرات

فرض اصلی در این سناریو آن است که ترامپ باور دارد: «ایران یک خطر بالقوه برای منافع آمریکا در منطقه است؛ برجام توافق خوبی نیست». به این ترتیب است که ترامپ تلاش خودش را آغاز می‌کند تا دوباره اجماع جهانی علیه ایران ایجاد کند. بازگشت به دوران پیشابرجام خواسته اصلی ترامپ است. از سوی دیگر اسرائیل و عربستان نیز همسو با آمریکا تلاش خود را خواهند کرد تا دوباره اجماع جهانی علیه ایران را تقویت کنند.

در این سناریو محمد بن‌سلمان جوان نیز می‌تواند با خیال راحت‌تری به مسائل داخلی خود بپردازد. اگرچه رقابت قدرت میان ایران و عربستان در منطقه، دارای قدمتی طولانی است؛ اما در دوران پساداعش شدت بیشتری خواهد داشت.

در دوران پس از داعش عربستان باید تبدیل به بازیگر اصلی در سوریه شود و این امر از طریق حذف ایران نیز ساده‌تر خواهد بود. از سوی دیگر یک ایران قدرتمندشده با روابط بین‌المللی، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی منتهی شود و این یعنی کاهش قدرت عربستان. خرید تسلیحات از آمریکا که در ماه‌های گذشته انجام شد نیز می‌تواند تطمیع آمریکا برای همین موضوع باشد.

در این وضعیت چین نیز بازیگری ناراضی از بازگشت برجام نیست. چین در دوران تحریم اصلی‌ترین شریک تجاری بود و در سال‌های بعد از برجام اگرچه جایگاهش تغییر شدیدی نیافت اما روند بهبود خود را نیز طی نکرد.

براساس این راهبرد اصلی‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال ایران عبارت‌اند از:

۱) القای غیرقابل‌اعتمادبودن ایران
۲) تحریک برای نقض برجام
۳) ایجاد اجماع علیه ایران

به منظور دستیابی به سیاست‌های فوق، تنها یک هدیه از طرف ایران یا به نام ایران است که می‌تواند او را به تمامی سیاست‌های فوق نزدیک کند: «نقض برجام توسط ایران». به همین دلیل «تحریک ایران برای نقض برجام» تاکتیک اصلی برای این راهبرد کلیدی آمریکاست.

در راستای تحقق این راهبرد، تلاش خواهند کرد تا از طریق برانگیختن احساسات عمومی و اقدام به فعالیت‌های تحریک‌آمیز طرفداران نقض برجام، احتمال نقض برجام ازسوی ایران را افزایش دهند.

بازگشت به دوران پیش از برجام البته پایگاه‌های اجتماعی دولت را نیز چنان دلسرد خواهد کرد که باید منتظر اشتیاق برای یک رئیس‌جمهوری رادیکال در آینده ایران بود.

در این سناریو آمریکا از تأیید برجام در اردیبهشت ماه سر باز خواهد زد و منتظر می‌ماند تا ایران از برجام خارج شود. در این وضعیت است که آمریکا توانسته است در عمل به همه اهداف خود دست پیدا کند؛ خروج ایران در زمان پایبندی اروپاییان به برجام! حالا اجماع جهانی علیه ایران خود به خود شکل می‌گیرد و این یعنی سلام گذشته! آمریکا یک گزینه را در این وضعیت تأکید خواهد داشت: برگردیم به مذاکره مجدد!

سناریوی ۲- ایران منزوی!

فرض اصلی در این سناریو آن است که ترامپ باور دارد که «کنترل ایران تنها از طریق سخت‌گیری بر ایران و سوق‌دادن او به سوی رفتار محافظه‌کارانه امکان‌پذیر است». به‌این‌ترتیب دولت ترامپ این فرض را دارد که هر چقدر بر ایران سخت‌گیری شود؛ رفتار ایران کنترل‌پذیرتر خواهد بود. او در مذاکراتش با اروپاییان بر این جمله تأکید داشته است، «بگذارید من آن پلیس بد باشم!».

در این سناریو آمریکا واقعا تمایلی به نقض برجام ندارد؛ اما واقعیت آن است که سودی هم از برجام نمی‌برد! در این وضعیت آمریکا می‌ترسد که در صورت نبودن یک پلیس بد، ایران به افزایش قلمرو منطقه‌ای خودش خواهد پرداخت. به‌این‌ترتیب ایجاد یک فضای ترس و ناامطمینانی برای ایران می‌تواند یک ابزار مناسب تنظیم رفتار در دوران برجام باشد اما منفعت دیگر آمریکا در آن است که چشم‌انداز کره‌شمالی را رسیدن به توافقی مانند برجام، از بین می‌برد. او به صراحت به کره‌شمالی این پیام را مخابره می‌کند که باید بیش از اینها عقب بنشیند!

به‌این‌ترتیب آمریکا به دنبال راضی‌کردن اروپاییان است برای آنکه به آنها بگوید که من سیاست متفاوتی از اروپا در قبال ایران خواهم داشت؛ آنها می‌توانند روابط خود با ایران را داشته باشند. در این وضعیت آمریکا به دنبال تقسیم نقش است و دوست دارد تا نقش پلیس بد در دنیا را ایفا کند. این نقش توسط بازیگرانی مانند اسرائیل و کشورهای عرب تقویت می‌شود. اما اروپا نیز می‌داند که این یعنی حذف اروپا از هر مسئله بزرگ جهانی! چراکه آمریکا با این کار نشان خواهد داد که هر مسئله بزرگی تنها از طریق رضایت صددرصدی آمریکا امکان‌پذیر است.

در این سناریو، آمریکا از طریق تحریم‌های جدید از یک سو و پناه‌بردن به بلوف‌های سیاسی، نقشه خود را برای کنترل ایران تکمیل خواهد کرد. آمریکا تلاش خواهد کرد تا «ایران بپذیرد که همیشه گزینه حمله نظامی روی میز است». این سیاست مشابه با سیاست دوران جنگ سرد و حتی جنگ با ویتنام توسط نیکسون است. هالدمن مشاور رئیس‌جمهور در آن روزگار می‌نویسد که نیکسون به او گفته است: «باب، من آن را نظریه مرد دیوانه می‌نامم، من می‌خواهم ویتنام شمالی‌ها باور کنند من به نقطه‌ای رسیده‌ام که ممکن است برای توقف جنگ به هر کاری دست بزنم. به گوششان می‌رسانیم که به خاطر خدا، می‌دانید نیکسون نگران کمونیسم است. وقتی او عصبانی و دستش روی شستی هسته‌ای باشد، نمی‌توانیم جلویش را بگیریم».

براساس همین دیدگاه است که آمریکا می‌خواهد «ایران باید بپذیرد که ترامپ دیوانه است!». به‌این‌ترتیب ممکن است حتی با عدم تأیید برجام توسط ترامپ، او تمایل داشته باشد که برجام میان ایران و پنج عضو دیگر باقی بماند! آمریکاییان مدام با گوشزدکردن نقش منطقه‌ای ایران، تکرار خواهند کرد که ایران را باید با سخت‌گیری کنترل کرد.

اما اروپاییان در چنین وضعیتی شاید تمایلی به ادامه برجام نداشته باشند و در این وضعیت است که آنها نیز پس از آمریکا به انتظار بهانه‌جویی خواهند نشست! اروپاییان خوب می‌دانند که این رفتار آمریکا یعنی نادیده‌گرفتن اروپا و آنها نمی‌خواهند نادیده گرفته شوند. به‌این‌ترتیب برجام تنها یک توافق است که نه می‌کشد و نه شفا می‌دهد!

در این وضعیت ترامپ ترجیحی برای مذاکرات مجدد نیز ندارد! ترامپ دوست دارد ایران کشوری همراه با ترس ازدست‌دادن همه‌چیز باشد؛ کشوری که می‌توان آن را نادیده گرفت!

سناریوی ۳- بازبینی و تعمیم برجام

فرض اصلی در این سناریو آن است که «برجام نشان داد ایران ظرفیت دستیابی به یک توافق جهانی را دارد. آمریکا باید بر همین اساس رفتار کند: ۱) فشار بر ایران، ۲) نشاندن آن بر سر میز مذاکره و ۳) سخت‌گیرانه‌ترکردن توافق فعلی».

آمریکا از برجام یاد گرفته است که مدل برجام، مدلی قابل تکرار برای سایر موضوعات مانند موشکی یا حقوق بشر یا حتی حل چالش ایران-آمریکاست. به‌این‌ترتیب این سناریو دو گام دارد:

۱-در گام نخست باید فشار بر ایران افزایش یابد. این افزایش فشار چه همراه با اروپاییان و چه مستقل از آنها!

در این وضعیت آمریکا از یک سو تلاش دارد تا برجام را شکننده نشان دهد و از سوی دیگر و پشت پرده سیاست خارجی تلاش می‌کند تا ایران را به سمت تعمیم برجام به موضوعات جدیدتر سوق دهد.

۲-در گام دوم ایران باید بپذیرد که ترامپ تاجر است! برخلاف تصویر ترامپ دیوانه، در این سناریو از ترامپ تاجری رونمایی می‌شود که اهل مذاکره و بده‌بستان است. به‌این‌ترتیب آمریکا سه موضوع اصلی را ممکن است روی میز قرار دهد:

- مذاکره درخصوص فعالیت‌های موشکی
- مذاکره درخصوص فعالیت‌های منطقه‌ای ایران
- گفت‌وگوی مستقیم ایران-آمریکا

این سناریو ایران را در داخل دچار تنش می‌کند؛ چراکه گروه‌های مخالف یا موافقی برای تعمیم یا توقف الگوی برجام آغاز می‌شود.

به‌این‌ترتیب ترامپ به اروپاییان مهلت خواهد داد تا ایران را راضی کنند تا در بازبینی برجام وارد دور تازه‌ای از مذاکرات شود.

سناریوی ۴- سوریه‌سازی ایران!

فرض اصلی در این سناریو آن است که «آمریکا در خاورمیانه مشکل دارد و خاورمیانه باید یک بار و برای همیشه بازآرایی شود». حل پایدار مسئله خاورمیانه به معنای تغییر ۱) وضعیت و ۲) رفتار بازیگران اصلی در این منطقه خواهد بود.

در دوران کاهش تقاضای نفت و کاهش درآمدهای نفتی، خاورمیانه آن‌قدرها هم منطقه‌ای مهم به اندازه گذشته نیست، اما فقدان حضور آمریکا در این منطقه هم به معنای خالی‌کردن زمین بازی برای رقیب راهبردی آمریکا یعنی روسیه است. روسیه به‌واسطه عوامل متعددی در سال‌های اخیر، بخش عمده‌ای از قدرت خود را از طریق بازیگری در این منطقه کسب کرده است. ایجاد اتحادها و همکاری‌های راهبردی میان روسیه و ایران اگرچه یک تهدید جدی برای آمریکا و شرکای منطقه‌ای‌اش است؛ اما در ماه‌های گذشته این ائتلاف توانسته است بازیگران جدیدی را نیز برای خود بگیرد؛ ترکیه در دوران پساداعش به این اتحاد افزوده شده است. اکنون تصویر سه رئیس‌جمهور روحانی-پوتین-اردوغان ظرفیت گرفتن تعداد زیادتری بازیگر را نیز در خود دارد. به‌این‌ترتیب آمریکا تلاش خواهد کرد تا نه تنها از میزان نفوذ ایران در منطقه بکاهد، بلکه به یک تقسیم کار منطقه‌ای با بازیگران اصلی نیز دست یابد. در این وضعیت آمریکا که از هرگونه تقابل با ایران پرهیز می‌کند؛ به یک جنگ نیابتی دل خوش خواهد کرد. شاید عدم صدور روادید برای ایران و کشورهای دارای نفوذ ایران رفتار پیش‌دستانه آمریکا در این سناریو بوده است.

در این سناریو آمریکا بر یک سناریوی سه‌گامی تأکید می‌کند:

۱) ناکارآمدسازی برجام به منظور افزایش فشار اقتصادی بر کشور

۲) افزایش سه‌گانه «ترس، نااطمینانی و شک» (یا به اختصار «تنش» یا FUD) که می‌تواند به‌عنوان نیروی داخلی در ایران فعال شود. در این وضعیت و همراه با تنش است که آمریکا انتظار نوعی از گسستگی اجتماعی در کشور را خواهد داشت.

۳) مسلح‌کردن گروه‌های تروریستی و تلاش برای نفوذ این گروه‌ها در کشور به منظور ناامن‌سازی ایران که با استفاده از ظرفیت‌های کشورهای منطقه‌ای مخالف ایران انجام خواهد شد.

سخن پایانی

سناریوها باید در روزهای آینده رصد و پایش شود. اینکه ترامپ در کدام سناریو فکر می‌کند و تلاش دارد کدام سناریو را پیش ببرد، مشخص نیست؛ اما ما باید برای تمامی این سناریوها در روزهای آینده آماده باشیم!

آماده‌بودن برای تمامی سناریوها اولین گام از برنامه‌ریزی سناریویی است. باید به‌گونه‌ای برای تمامی سناریوها آماده بود که بتوان به صورت فعالانه کنش داشت و نه آنکه منفعلانه در بازی‌های ترامپ افتاد. هر رفتار ایران می‌تواند یک رفتار مورد انتظار آمریکا باشد؛ به همین دلیل باید بیش از گذشته مراقب بود که در زمین بازی ترامپ بازی نکرد. اینها برداشتی از اندازه نادانسته‌های من است، چراکه هر عدم‌قطعیتی یعنی یک نادانستن؛ اصولا سناریوها براساس نادانستن‌ها شکل می‌گیرد و نه دانستن‌ها!

رویداد

سردار سلامی:

ملت ایران برای خطرناک‌ترین سناریو آماده شده است

● **ایلنا:** سردار حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه، در آیین رونمایی از ۳۰ عنوان کتاب دفاع مقدس گفت: یک روز در کنار رودخانه کرخه می‌جنگیدیم؛ اما امروز جنگ به کناره دریای سرخ رسیده و این نشان‌دهنده گسترش عظمت و اقتدار ایران در دفاع از اسلام است و کشور ما یک قدرت برتر در منطقه و یک قدرت متوازن‌کننده در جهان است.

او با اشاره به حمله موشکی آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه گفت: این اقدام نشان می‌دهد آمریکا هیچ برنامه و استراتژی‌ای برای جنگ ندارد؛ اما ایران در دل تحولات منطقه به‌خوبی می‌تواند منافع خود را تأمین کند. اینها همه نشان می‌دهد که قدرت آمریکا کاهش یافته است.

او تأکید کرد: امروز ایران دست برتر را در معادلات دارد و دشمنان ما ازجمله آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های دست‌نشانده آنها در منطقه بدانند ملت ایران خود را برای خطرناک‌ترین سناریوهای تهدید آماده کرده است.

سردار سلامی با بیان اینکه جنگ و دفاع مقدس، در بُعد زمانی ایستا نبود، گفت: دفاع مقدس برای ما تولیدکننده ادبیات، حقایق و آموزه‌های جدید بود. ما به کمک دفاع مقدس توانستیم ساختار نیرومند کشور را در برابر هجوم احتمالی قدرت‌ها شکل دهیم.

او با بیان این پرسش که «آیا امروز آمریکا در ماجرای سوریه در متن قرار دارد یا در حاشیه؟» تأکید کرد: آمریکا امروز با فقدان استراتژی در منطقه و سوریه مواجه است و حتی عملیات‌های نظامی آنها به دلیل اینکه با راهبرد همراه نیست، کور است و عملیات اخیر آمریکا معادلات سیاسی و میدانی را تغییر نداد؛ چراکه متکی به راهبرد نبود.

سلامی با اشاره به گفته‌های رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر هزینه‌های هفت‌تریلیون‌دلاری گفت: رئیس‌جمهور آمریکا گفته این هزینه‌های اقتصادی هیچ منفعت سیاسی برای آن کشور دربر نداشته است و وقتی کشوری نتواند هزینه‌های نظامی را به منفعت سیاسی برساند، این به معنای کاهش و زوال یک قدرت است.

سردار سلامی در پایان گفت: همه و به‌خصوص آمریکا، صهیونیست‌ها و متحدانی که سر پل سیاسی و نظامی آنها هستند، بدانند ملت ایران برای خطرناک‌ترین سناریوها آمده شده است.

محمدجواد لاریجانی:

راجع به هر چیزی می‌توانیم مذاکره داشته باشیم

● محمدجواد لاریجانی روز گذشته گفت‌وگویی با خبرگزاری «تسنیم» درباره برجام داشته است. معاون بین‌الملل قوه قضائیه در این گفت‌وگو با بیان اینکه امروز باید در دنیا حرف جدیدی مطرح کنیم، گفته: «معنای اینکه برجام از بین برود، این نیست که ما دیگر با دنیا مذاکره هسته‌ای نخواهیم داشت؛ اگر برجام تمام شد، ما در فرصت دیگری می‌توانیم مذاکرات داشته باشیم که البته این بحث مجزایی است. ما راجع به هر چیزی می‌توانیم مذاکره داشته باشیم». بخش‌های مهم این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

آمریکا به‌طور روشن تعهدات مهمی در «برجام» انجام نداده است؛ اما دولت ما دوست نداشته این نقض‌عهدها را مستند کند. این رفتار، خطای بسیار استراتژیکی بود؛ درحالی‌که ما می‌توانستیم کوچک‌ترین خطای آمریکا را «مستند» کنیم... . اگر صحبت از بودن یا نبودن در برجام مطرح بود، چرا این نکته ملحوظ نشد؟ این مسئله نکته بسیار مهمی است. به‌تازگی برخی از مسئولان دولتی ادعا کرده‌اند «ما تا وقتی که منافع اقتصادی داشته باشیم در برجام باقی می‌مانیم»، جنس این حرف کاملا غلط است. همه باید بر اساس «تعهداتشان» -فارغ از سود و زیانی که از تعهدشان می‌برند- در برجام حضور داشته باشند... . اگر آمریکا رسما خروج از برجام را اعلام کند، باید ختم کامل نظارت‌ها را اعلام کنیم و ازسرگیری فعالیت‌های متوقف‌شده پاسخ ما باشد و بالاخره اگر با مکانیسم فاجعه‌بار ماشه، تحریم‌های سازمان ملل احیا شوند، خروج کامل از ان‌پی‌تی گزینه بسیار معقولی است. به نظر بنده، موضع مقام معظم رهبری که فرمودند «اگر آمریکایی‌ها این تعهد را پاره کنند، ما آن را آتش می‌زنیم» موضع بسیار داهیانه‌ای است... . پس از برجام، فضا مانند قبل از برجام نیست. ما امروز در دنیا باید حرف جدیدی مطرح کنیم؛ نادرست‌بودن ادعاهای آنها مبنی بر رفتن ایران به سمت سلاح اتمی دیگر برای همه اثبات شده است و ما باید با یک افق، منطق و بحث جدیدی وارد شویم... . مذاکره هسته‌ای با آمریکا که هیچ، زیرا این کشور به درد مذاکره نمی‌خورد؛ اما با دنیا می‌توانیم مذاکره داشته باشیم؛ بااین‌حال این مذاکرات باید بعد از یک برهه طولانی صورت گیرد.